

روان زخم میان-نسلی مهاجرت: بازنویسی سوژکتیویته مهاجرت در سایه توهم سرزمین مادری/دیگری

بهاره بهمن‌پور

دکترای ادبیات انگلیسی، گروه زبان‌های خارجی، واحد تهران-شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

استدلال پژوهش حاضر بر مبنای این فرض استوار است که توجه ویژه به جنبه روان زخم میان-نسلی حاصل از مهاجرت دیاسپوریک نه تنها روایت‌های پنهان فقدان و درد نهفته در ادبیات مهاجرت را آشکار می‌سازد، بلکه روند مذاکره میان سوژکتیویته افراد نسل اول و دوم مهاجرت را نیز مشخص می‌کند. این مقاله با بررسی انتقادی بازنمایی ادبی سوژکتیویته دیاسپوریک از رویکردی غالباً روانکاوانه، به مطالعه‌ی داستان‌های کوتاه دیاسپوریک می‌پردازد و به این ترتیب، از مطالعات دیاسپورا و مطالعات روانکاوانه‌ی روان زخم در کنار یکدیگر بهره می‌گیرد. پژوهش حاضر با تحلیل متنی دو نمونه داستان کوتاه نوشته چیترا بانرجی دیوا کارونی و تانیا جیمز در پی آن است با تکیه بر نظریه شبح میان‌نسلی به تعریف مفهوم بینانسلی سوژکتیویته دیاسپوریک بپردازد. بدین منظور، به بررسی راه‌هایی می‌پردازد که طی آن نسل‌های مختلف مهاجر در دام توهم سرزمین مادری/دیگری گرفتار می‌شوند که سایه فریبنده آن با واقعیت پیچیده زندگی دیاسپوریک در هم تنیده است. این توهم، خود دیاسپوریک را در فضای روانی همدلی قرار می‌دهد که حضور در آن با حضور دیگری بیرونی (غالباً شخصی متعلق به نسلی دیگر) تسهیل می‌گردد که از طریق تعامل کاتارتیک با خود دیاسپوریک، فرصت مذاکره مجدد با سوژکتیویته را به وی می‌دهد و او را در آستانه سوگواری به تاخیر افتاده برای حس دیگربودگی یا حتی شرم حاصل از عدم تعلق قرار می‌دهد که تا آن زمان سرکوب شده است.

واژگان کلیدی: دیاسپورا؛ روان زخم حاصل از مهاجرت؛ توهم میان-فرهنگی؛ سوژکتیویته دیاسپوریک؛ سوزادگی.

سفرهای دریایی در رمانس‌های قرون وسطی: گذرهای نمادین در تجربیات وجودگرایانه و رنج‌های زنان در دریا

آلبرچت کلاسن

استاد مطالعات زبان آلمانی، گروه مطالعات زبان آلمانی، دانشگاه آریزونا، توسان، ایالات متحده آمریکا

چکیده

در شمار قابل توجهی از روایات قرون وسطی با درونمایه مشترک سفر دریایی مواجه می‌شویم که یا با هدف ازدواج صورت می‌گیرد و یا به قهرمان زن رنج‌دیده داستان که از سوی افراد شرور مورد آزار و اذیت است تحمیل می‌شود. از آنجایی که اکثر مخاطبان قرون وسطا با سفر در میان پهنه‌های بزرگ آبی‌آشنایی چندانی نداشتند، این بن‌مایه بسیار حائز اهمیت است چرا که سفر دریایی که خود عمدتاً بدون هیچ خدمه‌ای، به طور خودکار و به تنهایی توسط قهرمان داستان انجام می‌شود، شخصیت مسافر را تغییر می‌دهد و همچنین تأثیر بزرگی بر مردم یا کشورهایی می‌گذرد که کشتی به آن‌جا سفر می‌کند. سفر دریایی به عنوان رخدادی بزرگ که خداوند آن را رقم می‌زند و به قهرمان داستان کمک می‌کند تا از این تجربه خطرناک جان سالم به در ببرد، تغییر چشمگیری در افرادی که در این کشور جدید زندگی می‌کنند ایجاد می‌کند. در عین حال، درون مایه مذکور نوعی کاتاباسیس افقی را نیز می‌نمایاند و معمولاً به تحولی عمیق در افراد درگیر در آن می‌انجامد.

واژگان کلیدی: آپولونیوس صور؛ دکامرون اثر بوکاچو؛ «داستان مرد قانون» اثر چاوسر؛ ویلهلم و یاکوب گریم؛ مای و بیفلور؛ سفر دریایی.

فزونی منفیت:

واکاوی رانه مرگ در نمایشنامه پدر از جنگ به خانه باز می‌گردد

اثر سوزان لوری پارکز

عالیه میرزایی باغابری

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات انگلیسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

حسن شهابی (نویسنده مسؤل)

استادیار ادبیات انگلیسی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

لیلا برادران جمیلی

استادیار ادبیات انگلیسی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد، بروجرد، ایران

چکیده

مقاله حاضر برآن است تا با رجوع به آرای اسلاوی ژیتک که ملهم از رویکرد روان‌کاوانه‌ی فروید و لاکان است به بررسی فحوای رانه مرگ در شخصیت اصلی نمایشنامه پارکز در فرآیند سوژه‌شدگی بپردازد. ژیتک سوژه را با ماهیتی گسسته تعبیر می‌کند و آن را همان ساحت واقعی می‌داند. ژیتک با تکیه بر آموزه‌های لاکان بر این باور است که سوژه پیش از سوژه‌شدگی با رانه مرگ به هستی خود معنا می‌بخشد. ژیتک با طرح مفهوم رانه مرگ به مثابه اصلی بنیادین در رهیافت خود، سوژه را با رانه مرگ همسان می‌پندارد. سوزان لوری پارکز در نمایشنامه خود مفهوم رانه مرگ را به گونه‌ای به تصویر می‌کشد که سبب برانگیختن شخصیت اصلی نمایش، هیرو (قهرمان)، در جهت هم‌ستیزی اجتماعی می‌شود. رانه مرگ به هیرو این امکان را می‌بخشد از یک سو حصار نژادی خود را به عنوان برده‌ای سیاه پوست به چالش بکشد و از سوی دیگر او را در روند تکوین هویت به سوژه‌شدگی جدید سوق دهد. رانه مرگ در خصوص هیرو تقلایی برای کسب آزادی است، اما این کشمکش فروپاشی شخصیتی وی را در پی دارد. فانتزی یا رویای آزادی که بنا است کیف را برای وی به ارمغان بیاورد و رانه مرگ که منادی آزادی وی پنداشته می‌شود در نهایت او را به سوژکتیویته سرشار از گسست سوق می‌دهد که بدین سبب به سوی مرگ رفته بود. تلاش‌های هیرو بیهوده می‌ماند و به حصول ناپذیری ساحت واقعی لاکانی متمایل می‌شود که در آن هر هویتی، سرشتی متضاد پیدا می‌کند. او در فرآیند سوژه‌شدگی هم‌نوعان خود را نیز دچار تعارض پنهان خود می‌کند و سپس به ضدقهرمان بدل می‌شود. توهم آزادی تجربه فقدان را سبب می‌شود که به روان‌زخم می‌انجامد و تمایل او را برای رهایی به ضعف می‌کشاند. فانتزی آزادی، نوع جدیدی از دربند بودن را بر وی تحمیل می‌کند و او را به پیروی از همان اسارت نوپایی در می‌آورد که به ستیز با آن برخاسته بود.

واژگان کلیدی: پدر از جنگ به خانه باز می‌گردد؛ سوزان لوری پارکز؛ رانه مرگ؛

ساحت واقعی؛ منفیت؛ ژیتک.

آزادی تعهد:

نقش نویسنده در کتاب ادبیات چیست؟ اثر سارتر

سوسن پورصنعتی

استادیار زبان و ادبیات انگلیسی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

علی حسن پور دربندی (نویسنده مسؤول)

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات انگلیسی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه تهران، ایران

چکیده

مبحث تعهد در ادبیات بلافاصله پس از مواجهه با تحولات پس از جنگ جهانی دوم، به مثابه مناقشه‌ای بحث‌برانگیز ظهور یافت. اهمیت ادبیات در حوزه‌های مختلف و به ویژه در حوزه سیاسی مورد بازبینی قرار گرفت. ادبیات در مقام فعالیتی منفعلانه و غیرکاربردی قلمداد می‌شد که ناتوان از ابراز ترس و واهمه‌ی جنگ جهانی دوم پنداشته می‌شد. ژان پل سارتر، چهره‌ی برجسته‌ی مکتب اصالت وجود در فرانسه، با چنین رویکردی به ادبیات به مقابله پرداخت. سارتر به منظور یافتن راهی برای مشارکت فعالانه‌ی نویسندگان در جامعه به بررسی نقش نویسنده و خواننده پرداخت. پژوهش حاضر سه فصل نخست کتاب *ادبیات چیست؟* که عبارتند از «نوشتار چیست؟»، «برای چه باید نوشت؟» و «برای چه کسی باید نوشت؟» را مورد خوانش قرار می‌دهد. اگرچه مقاله پیش روی به‌طور مستقیم فلسفه‌ی اصالت وجود سارتر را مورد بررسی قرار نمی‌دهد، اما ریشه‌های درک سارتر از ادبیات در فلسفه‌ی قاره‌ای و همچنین انتقادات آلن رب‌گریه و آرونو را به اثر مذکور تبیین می‌کند و بدین منظور ایده‌ی تعهد و آزادی نویسنده از منظر سارتر و هر آنچه را که وی در قالب «ادبیات حقوق بشر» معرفی کرد شرح می‌دهد. «ادبیات حقوق بشر» در نزد سارتر، همچون پادزهری در مقابل مارکسیسم و سرمایه‌داری است که می‌تواند بشر را از زنجیرهای تاریخ رها سازد.

واژگان کلیدی: سارتر؛ نویسنده؛ آزادی؛ موقعیت تاریخی؛ تعهد.

میل متافیزیکی رها نشده در نمایشنامه‌های عاشق اثر پینتر و چیز واقعی اثر استاپارد

حسین علیخان پور شاه‌آبادی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات انگلیسی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

جواد یعقوبی دارابی (نویسنده مسؤول)

استادیار زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی مفهوم میل متافیزیکی از منظر رنه ژرار در مطالعه تطبیقی نمایشنامه‌های عاشق اثر هارولد پینتر و چیز واقعی اثر تام استاپارد است. ژرار میل تقلیدی را به شیوه‌ای متمایز مورد بررسی قرار داده است. او امیال را نه خودمختار می‌داند و نه خود-جوش، بلکه آن‌ها را عواملی می‌داند که از دیگران به عاریه گرفته شده‌اند. ژرار بر این باور است انسان‌ها همیشه به دنبال واسطه‌های قوی‌تری هستند تا بتوانند امیال خود را سیراب کنند. میل تقلیدی با یک بار ارضاء شدن سیراب نمی‌گردد و همواره در فرآیندی بی پایان در جستجوی محرک‌ها یا واسطه‌های قوی‌تری است که ژرار آن را میل متافیزیک می‌نامد. مقاله حاضر بر آن است هر گونه میل متافیزیکی را در زندگی شخصیت‌های آثار بررسی شده بیابد. از آنجایی که از نگاه ژرار، میل متافیزیکی هم می‌تواند انسان را به کمال برساند و هم او را به سمت نابودی و انزوا سوق دهد، درمی‌یابیم که شخصیت‌ها با پیروی از میل متافیزیکی، با جنبه منفی آن یعنی گسستگی خانواده و دیگر عواقب مخرب روبرو می‌شوند. در نتیجه، شخصیت‌هایی که از تبعات منفی این میل بهره جسته‌اند نمی‌توانند از ثمرات یک زندگی کامل بهره‌مند شوند و به ناچار محکوم به انزوا و شوربختی می‌شوند، که غیر از درد و آلام ثمره‌ای برای آنان به ارمغان نمی‌آورد. شخصیت‌ها برخی اوقات همچون افراد معتادی به نظر می‌رسند که پیوسته در جستجوی واسطه‌های جدید هستند، حال آنکه دیگر مجال برای اصلاح آن‌ها نیست و برای همیشه تبدیل به شخصیت‌های مازوخیستی شده‌اند.

واژگان کلیدی: میل تقلیدی؛ عاشق؛ چیز واقعی؛ واسطه؛ میل متافیزیکی.

بررسی جنبه‌های متفاوت نقیضه در رمان جک مگنر اثر پیتر کری از دیدگاه لیندا هاچن

فرهاد نجفی

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات انگلیسی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

علیرضا فرحبخش (نویسنده مسؤل)

دانشیار زبان و ادبیات انگلیسی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

چکیده

مقاله‌ی حاضر در بستر نظری تبیین‌شده از سوی لیندا هاچن در تعریف نقیضه، به بررسی رمان جک مگنر (۱۹۹۷) اثر پیتر کری می‌پردازد، که اقتباسی از رمان *آرزوهای بزرگ* (۱۸۶۰) اثر چارلز دیکنز است. به باور هاچن، نقیضه تکراری است که همواره با فاصله‌ی مشخص همراه است. نقیضه از منظر هاچن شکل و محتوای زیرمتن اثر اقتباس‌شده را به چالش می‌کشد و به شیوه‌ای کنایه‌آمیز، آن را دگرگون می‌سازد. این کار نه با هدف تمسخر بلکه به منظور خلق اثری نوین انجام می‌شود. پرسش‌های اساس این پژوهش عبارتند از: رمان جک مگنر چگونه از نقیضه بنا به تعریف هاچن در بستر وسیع گفتمان روایی پسامدرنیسم بهره می‌گیرد تا با فاصله‌ی مشخص از متن منبع، خود را بنمایاند؟ نقیضه چگونه جک مگنر را با مباحث اجتماعی معاصر پیوند می‌دهد؟ به منظور ارائه‌ی پاسخ به این پرسش‌ها، پژوهش پیش روی ابعاد مختلف نقیضه را بر اساس آرای هاچن در بررسی رمان جک مگنر به کار می‌گیرد. این مقاله نشان می‌دهد که جک مگنر، رمان *آرزوهای بزرگ* اثر چارلز دیکنز را در فضایی جدید اما این بار در استرالیا بازآفرینی می‌کند. مطالعه حاضر همچنین این استدلال را مطرح می‌کند که رمان پیتر کری، با استفاده از ابزار نقیضه برای خلق نگاهی جدید به یکی از مهمترین نمونه‌های ادبیات دوران ویکتوریا می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که می‌توان جک مگنر را در مقام نقدی بر واقع‌گرایی سده‌ی نوزدهم و در مقیاسی وسیع‌تر، بر ابرروایت‌ها قلمداد نمود.

واژگان کلیدی: زیرمتن؛ زبرمتن؛ بینامتنیت؛ نقیضه؛ اقتباس؛ بازبسترسازی.

بررسی نشانگرهای فراگفتمان میان فردی به عنوان راهبردهای اقناعی در سخنان انتخاباتی کمپین دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۶

پریسا اعتمادفر

دانشجوی دکتری آموزش زبان انگلیسی، گروه زبان انگلیسی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران

احسان نمازیان دوست (نویسنده مسؤول)

دکترای آموزش زبان انگلیسی، گروه زبان انگلیسی، دانشگاه آزاد واحد شهرکرد، شهرکرد، ایران

چکیده

فراگفتمان میان فردی به عنوان ابزار مهمی در جهت هموارسازی ارتباط بین گوینده/نویسنده و شنونده/خواننده تلقی می‌شود. هدف از پژوهش حاضر بررسی مفهوم و نوع نشانگرهای میان فردی به کاررفته به عنوان راهبردی اقناعی در سخنان انتخاباتی کمپین دونالد ترامپ است. در پژوهش حاضر از روش تحقیق توصیفی-کیفی استفاده شده است. از طبقه‌بندی دافوز (۲۰۰۸) برای نشانگرهای فراگفتمان میان فردی به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده استفاده شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که ترامپ در سخنرانی‌های انتخاباتی خود از همه‌ی انواع نشانگرهای فراگفتمان میان فردی از قبیل تردیدنماها، نشانگرهای یقین، نسبت‌دهندگان، نشانگرهای نگرش و اظهارنظرها استفاده کرده است. فراوانی نشانگرهای نگرش و اظهارنظرها بیش از سایر نشانگرهای فراگفتمان میان فردی در سخنرانی کمپین انتخاباتی ترامپ بود، که نشان می‌دهد وی سعی کرده است با ایجاد پیوند احساسی، مردم را ترغیب کند تا به او رأی دهند.

واژگان کلیدی: نشانگرهای فراگفتمان میان فردی؛ دونالد ترامپ؛ سخنرانی سیاسی؛ سخنرانی کمپین انتخاباتی؛ راهبرد اقناعی.

بازنمایی روان زخم در ادبیات پسایازده سپتامبر: بازخوانی خاطرات شخصیت‌ها در رمان بنیادگرایی ناراضی اثر محسن حمید

ساجد حسینی (نویسنده مسؤول)

کارشناس ارشد ادبیات انگلیسی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی و زبان‌شناسی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران

احسان بقایی

استادیار، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، واحد خوراسگان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

چکیده

پژوهش حاضر بر آن است خاطرات شخصیت‌های اصلی رمان بنیادگرایی ناراضی نوشته محسن حمید را از منظر رویکردی التقاطی به بازنمایی روان زخم مورد خوانش و بررسی قرار دهد. نظریه‌ی «روان زخم روان‌شناختی» فروید و بروئر، مفهوم «اختلال استرس پساروان‌زخمی» جودیت هرمان و مقوله‌ی «روان زخم فرهنگی» جفری الکساندر در مقام مبنای نظری مقاله حاضر مورد استناد قرار گرفته‌اند. روان زخم روان‌شناختی به آسیب‌های روانی غیرقابل تحمل و غیرقابل بیانی اشاره دارد که همواره به مثابه زخمی در ناخودآگاه فرد باقی می‌مانند. اختلال استرس پساروان‌زخمی بر مشکلات جسمی در امور طبیعی از قبیل عدم تمرکز مداوم، بی‌خوابی و آمدوشد در خاطرات گذشته تمرکز دارد. روان زخم فرهنگی تغییرات هویتی را در سطح جمعی یک گروه به دلیل حادثه‌ای وحشتناک در گذشته مورد بررسی قرار می‌دهد. ماجراهای چنگیز، راوی رمان، به دوران حملات پسایازده سپتامبر برمی‌گردد که راه را برای مطالعه‌ی بازنمایی روان زخم در این رمان هموار می‌سازد. پژوهش پیش روی به منظور قلمداد کردن حافظه به عنوان مکانی برای کنکاش در خصوص وضعیت ذهنی سوژه، از نظریه‌های متفاوت درباره‌ی روان زخم بهره می‌جوید. نتایج نمایانگر این امر هستند که حادثه‌ای چون حملات یازده سپتامبر تاثیرات عمیق و مخربی بر سوپرکتیویته‌ی چنگیز بر جای می‌گذارد و به همان شیوه نیز عواقب منفی آن بر نسل جدید روشنفکران مهاجر پاکستانی قابل ملاحظه است.

واژگان کلیدی: روان زخم؛ اختلال استرس پساروان‌زخمی؛ روان زخم فرهنگی؛

هویت؛ رمان پسایازده سپتامبر.

بررسی تطبیقی تأثیر متون طنز و غیر طنز بر یادگیری واژگان در دو سطح متفاوت بسندگی زبانی در زبان آموزان ایرانی

ساسان بالغی‌زاده (نویسنده مسئول)

دانشیار آموزش زبان انگلیسی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

طاهره کرم‌زاده

کارشناس ارشد آموزش زبان انگلیسی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

هدف از انجام این پژوهش، بررسی میزان اثر بخشی استفاده از متون طنز و غیر طنز در یادگیری ادراکی و تولیدی واژگان انگلیسی است. در مطالعه حاضر، تأثیر سطح بسندگی زبان انگلیسی زبان‌آموزان، در اثربخشی روش استفاده‌شده (متون طنز و غیر طنز) نیز مورد بررسی قرار گرفته است. مواد آموزشی استفاده‌شده در این پژوهش عبارتند از ۱۷ متن طنز و ۱۷ متن غیر طنز که دارای واژگان هدف بودند. ۸۷ زبان‌آموز در دو سطح بسندگی زبان انگلیسی در این پژوهش شرکت کردند که نیمی از آن‌ها واژگان هدف را از طریق متون طنز و نیمی دیگر همان واژگان را از طریق متون غیر طنز فراگرفتند. کلمات هدف همراه با معانی انگلیسی آنها، به زبان‌آموزان ارائه شدند. در انتهای هر متن تعدادی سوال درک مطلب در قالب سوالات چهار گزینه‌ای، جای خالی، یا سوالات باز پاسخ وجود داشت. پس از اتمام دوره آموزشی، آزمونی از پیش اعلام نشده با هدف سنجش میزان اثربخشی متون طنز و غیر طنز در یادگیری واژگان، به زبان‌آموزان ارائه شد. سه هفته پس از برگزاری آزمون اول، به منظور سنجش میزان اثربخشی روش استفاده‌شده در یادگیری بلند مدت واژگان، آزمون دیگری از زبان‌آموزان گرفته شد. نتایج این دو آزمون نشان دادند که زبان‌آموزانی که بسندگی زبانی پایین‌تری دارند واژگان را از طریق متون طنز بهتر یاد گرفته و به خاطر سپرده بودند. با این وجود، یافته‌ها نشان می‌دهند استفاده از متون طنز تنها در یادسپاری بلندمدت واژگان در زبان‌آموزانی که بسندگی زبانی بالاتری دارند، قابل ملاحظه است. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، پیشنهاد می‌شود معلمان و تهیه‌کنندگان مواد آموزشی، عناصر طنز بیشتری را در کلاس‌های آموزش زبان و کتاب‌های آموزشی بگنجانند.

واژگان کلیدی: طنز؛ واژگان؛ درک مطلب؛ بسندگی.

سبژکتیویته دیاسپوریک اجراگرایانه در رمان ده چیز درباره خودم که از آنها بیزارم اثر رعنا عبدالفتاح

انسیه درزی نژاد

دکترای ادبیات انگلیسی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

این مقاله بر آن است از منظر رویکرد اجراگرایانه‌ی جودیت باتلر به بررسی رمان ده چیز درباره خودم که از آنها بیزارم (۲۰۰۶) نوشته رعنا عبدالفتاح بپردازد. پرسش اساسی عبارت است از این امر که آیا سبژکتیویته دیاسپوریک قهرمان مسلمان رمان، ذاتی، ایستا، و نهایی و یا برساخت اجراگرایانه است. استدلال این پژوهش این است که جمیله، به عنوان یک زن مسلمان مهاجر، موجودی با هویتی درونی شده نیست؛ بلکه کسی است که هویت خود را در مهاجرت به دست می‌آورد. هدف از این پژوهش بیان این نکته است که جمیله سوژه‌ای گفتمانی است که از جانب گفتمان‌های غالب لبنانی، استرالیایی و اسلامی مورد ستایش قرار گرفته است. دیدگاه باتلر در رابطه با نادرست بودن برخی از اجراگری‌ها، در نهایت امکان معنی‌دهی مجدد و از آن خودسازی مجدد گفتمان‌هایی را فراهم می‌سازد که در تلاش هستند سوژه را مورد فراخوانی قرار دهند. مطالعه پیش روی با تکیه بر آموزه‌های باتلر نشان می‌دهد که جمیله به عنوان مجری مهاجرت که در نتیجه فعالیت‌های اجراگرایانه زبانی، بدنی، آشپزی و هنری، شکل می‌گیرد، از سوی هیچ یک از گفتمان‌هایی که در آن غوطه‌ور است تعیین نمی‌شود و به سوژه‌ایی آستانه‌ایی و التقاطی مبدل می‌شود که فرهنگ‌های خانه و میزبان (وطن و غربت) را به هم می‌آمیزد و از منطق دوگانگی دوری می‌کند.

واژگان کلیدی: رعنا عبدالفتاح؛ دیاسپورا؛ اجراگری؛ آداب و رسوم؛ بودن/شدن.

تاریخ نگاری ادبی در رمان معاصر فارسی: مطالعه ی رمان دکتر نون زنش را بیشتر از مصدق دوست دارد اثر شهرام رحیمیان

سروه هژبری

کاندیدای دریافت کارشناسی ارشد GEMMA Erasmus Mundus در مطالعات زنان و جنسیت، گروه مطالعات زنان و جنسیت، دانشگاه آبیهدو، آستوریاس، اسپانیا
کارشناس ارشد زبان و ادبیات انگلیسی، گروه زبان انگلیسی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران

چکیده

پژوهش حاضر بر آن است رمان دکتر نون زنش را بیشتر از مصدق دوست دارد اثر شهرام رحیمیان را بر مبنای نظریه‌ی تاریخ‌نگاری ادبی هایدن وایت مورد بررسی قرار دهد. در این مطالعه تلاش شده است چگونگی مواجهه رمان مذکور با کودتای ۱۹۵۳ ایران با اشاره به شخصیت تاریخی دکتر مصدق و ارتباط او با دیگر اعضای کابینه سیاسی نشان داده شود. تاریخ کودتای ایران و به ویژه جایگاه و تاثیر دکتر مصدق موضوع مورد علاقه‌ی بسیاری از مورخان و رمان‌نویسان بوده است. رحیمیان در اثر خود به شیوه‌ای بسیار جذاب به وقایع تاریخی آن دوره پرداخته و تلاش بر این دارد بر وقایع تمرکز کرده و در عین حال به خلق دیدی جدید از حقایق با روش داستانی کردن شخصیت‌هایش بپردازد. او برای خوانندگان نقل می‌کند که وجود تفاسیر مختلف از وقایع تاریخی امری ممکن است. روش خوانش رمان مذکور در این پژوهش با رویکرد تاریخ‌نگاری پسامدرنی هایدن وایت در تناسب است که در اثر قابل توجهی وی تحت عنوان *فراتاریخ* (۱۹۷۳) مطرح شده است. وایت بر این باور است که تفاسیر مختلف از واقعیات تاریخی امکان ارائه می‌یابند و این وظیفه‌ی تاریخ‌نگار یا رمان‌نویس داستان تاریخی است که وقایع را برای آفرینش تفسیر تاریخی خود بیان کند. مطالعه پیش روی با به کار بردن مفهوم «طرح‌اندازی» که از سوی وایت مطرح شده است می‌کوشد روشی را که رحیمیان برای نمایش منظره‌ی فرهنگی و اجتماعی-سیاسی ایران دهه‌ی ۱۹۵۰ در رمان خود به کار گرفته است، نمایان سازد.

واژگان کلیدی: طرح‌اندازی؛ رمان تاریخی؛ تاریخ‌نگاری ادبی؛ رمان تاریخی فارسی.